

روش شناسی و گونه شناسی مصادر تاریخ الحجه بحارالانوار

مریم نساج*

علی راد**

چکیده

علامه مجلسی در «تاریخ الحجه» که بخشی از کتاب بحارالانوار است، به گزینش و گزارش روایات مهدویت پرداخته است. مسئله اصلی این پژوهش، روش شناسی روایی و گونه شناسی مصادر علامه مجلسی^{علیه السلام} در این بخش است. نتایج بررسی و ارزیابی «تاریخ الحجه» نشان داد که علامه در روش شناسی خود از فهم متن و فهم مقصود بهره جست و ژرف اندیشانه به چینش و تحلیل روایات مهدویت پرداخته است. ایشان پس از احراز صحت متن از طریق توجه به اختلاف نسخه ها، تصحیف و توجه به تقطیع، به دنبال فهم متن به واسطه بررسی غریب الحدیث ها و توجه به بلاغت و خانواده حدیث است و از طریق گردآوردن قرینه‌هایی چون آیات قرآن کریم، عقل باوری، تاریخی‌نگری به دنبال کشف مراد جدی و مقصود اصلی معصوم می‌باشد. تنوع، اعتبار و اصالت سه ویژگی مصادر مجلسی در «تاریخ الحجه» به شمار می‌آید.

واژگان کلیدی: تاریخ روایی مهدویت، مصادر مهدویت، روایات مهدویت، اعتبارسنجی مهدویت، علامه مجلسی.

* دانشجوی دکتری قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران، Noha114@gmail.com

** استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران
ali.rad@ut.ac.ir

در باره مهدویت مصادر روایی مشهوری چون الغیبه، تألیف محمد بن ابراهیم نعمانی (۳۴۲ ق)، اکمال الدین و اتمام النعمه، تألیف محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه؛ شیخ صدوق (۳۸۱ ق)، الغیبه، تألیف شیخ طوسی (۴۶۰ ق) در قرن چهارم و پنجم هجری نوشته شده است و این در زمانی است که از طرف فرقه‌های مختلف نسبت به شیعه طعن‌ها و شبهه‌های زیادی در مورد امام غایب و نحوه غیبت مطرح می‌شده است و علمای امامیه با نوشتن این کتاب‌ها در صدد پاسخ دادن به این شبهه‌ها بودند.

علامه مجلسی در کتاب بحارالانوار تاریخ ائمه علیهم‌السلام را عنوان کرده و در جلد ۵۱ به تاریخ الحجه پرداخته است. ایشان با استفاده از این سه کتاب و منابع متعدد دیگر، حدود ۱۲۹۷ روایت را در ۳۱ باب با دسته بندی و ساختاری نیکو، به گونه ای عرضه کرده که یافتن حدیث برای مخاطب آسان باشد و بسیاری از روایات در زمینه موضوعات مختلف که در کتاب‌های قبلی ذکر نشده؛ عنوان نموده است؛ مانند مبحث رجعت، جانشینان حضرت مهدی و آنچه بعد از وی روی می‌دهد.

جامعیتی که علامه در تاریخ الحجه دارد، در سه کتاب دیگر نیست. علامه از روش روایی استفاده کرده؛ هرچند در بحث‌های کلامی از کتاب شیخ طوسی فراوان نقل قول می‌کند. برخی از عناوین باب‌ها عبارتند از: ولادت حضرت مهدی، نام‌ها و لقب‌ها، صفات بارز و علامات، روایاتی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه در باب حضرت مهدی علیه‌السلام، تصریح به امامت امام زمان علیه‌السلام از قول خداوند و از پدران، اخبار کاهنان به حضور حجت، اخبار معمرین تاریخ بشر، معجزات حضرت، علت غیبت امام زمان علیه‌السلام، فضیلت انتظار فرج، علامات ظهور، روز قیام حضرت و مباحث مربوط به رجعت.

در این پژوهش سعی بر این است که هدف علامه مجلسی در تاریخ نگاری، مصادر تاریخ الحجه روش و فهم احادیث تاریخی در اندیشه وی روشن گردد. علامه در مصادر تاریخ الحجه از منابع روایی، تفسیری، رجالی، تاریخی و ادبی بهره جسته و در فهم حدیث خود ابتدا به دنبال احراز صحت متن است که با روش گوناگون اثبات شده و سپس دنبال کشف معنای

حقیقی در ماورای واژه‌هاست. وی به معنا و فهم ظاهری بسنده نکرده است. لذا ساختار مقاله به دو بخش اصلی تقسیم می‌گردد: ۱. مصادر تاریخ الحجه؛ ۲. فهم احادیث تاریخی در اندیشه علامه مجلسی.

پیشینه پژوهش

باتوجه به جست و جوهایی که درباره سابقه و پیشینه این پژوهش با عنوان «روایات تاریخ الحجه بحارالانوار مصادر و روش‌شناسی علامه مجلسی» در منابع و مأخذ صورت گرفته است؛ هیچ گونه پژوهشی که به روایات تاریخ الحجه بحارالانوار علامه مجلسی پرداخته باشد، مشاهده نشده؛ اما درباره روش علامه مجلسی در بحارالانوار آثاری چون مبانی و روش‌های فقه الحدیثی علامه مجلسی در بحارالانوار از عبدالهادی فقهی زاده، و آشنایی با بحارالانوار از احمد عابدی نگاشته شده است که اینان نیز به طور خاص مهدویت در بحارالانوار را مورد بررسی قرار نداده اند.

هدف علامه مجلسی در تاریخ الحجه

بهترین منبعی که می‌تواند هدف علامه مجلسی را در نگارش آثار تاریخی به ما نشان دهد آثار مکتوب و موجود علامه مجلسی است. آنچه علامه مجلسی را وارد این عرصه کرده دو چیز بوده است:

۱. اعتقاد علامه به تشیع و دوازده امام و دفاع از حریم اهل بیت علیهم‌السلام

۲. جمع آوری کتاب‌های روایی و جلوگیری از، از بین رفتن آثار شیعی.

بهترین گواه و شاهد ما عباراتی است که از خود علامه در مقدمه عنوان شده و در نوشتار وی اعتقاد به شیعه بودن به صراحت دیده می‌شود. علامه در مقدمه کتاب بحارالانوار چنین بیان می‌کند:

از هر چشمه ای شربتی نوشیدم ... چون نیک اندیشیدم فهمیدم باید دانش را از چشمه صافی بجویم که سرچشمه آن وحی و الهام است: یک رشته آن قرآن مجید و دیگری آثار اهل بیت علیهم‌السلام است لذا در اخبار آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به فحص و

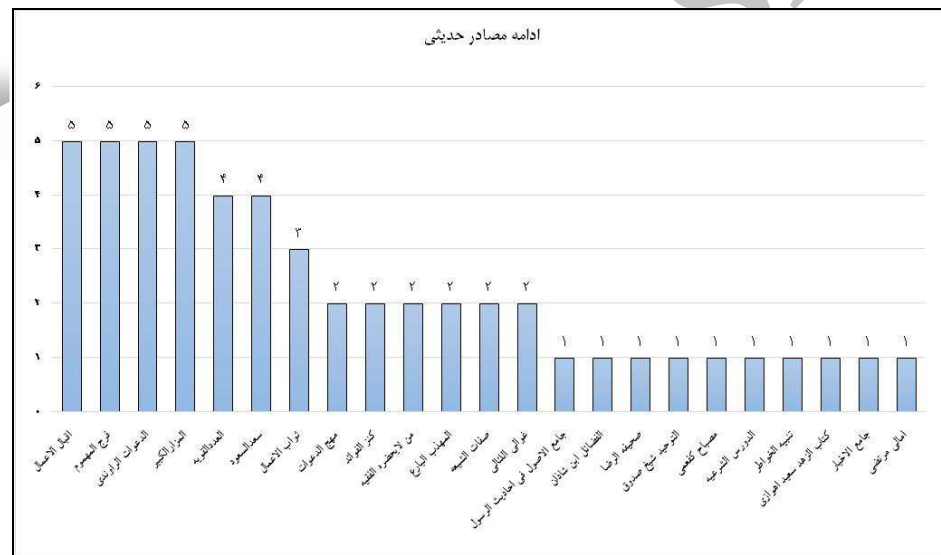
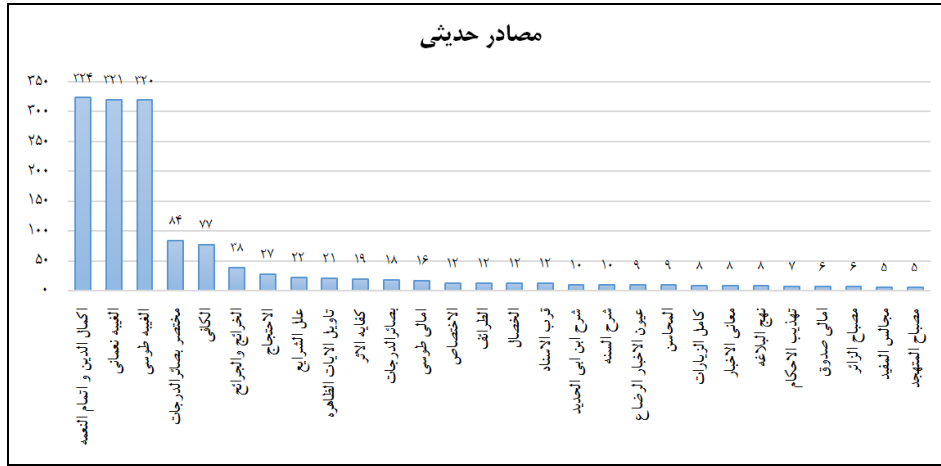
بحث پرداختم و اخبار آنان را کشتی نجات امت یافتم (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۳) و در ادامه بیان می‌کند: بلاد مختلف را جست‌وجو کردم؛ بسیاری از اصول معتبره را جمع‌آوری نمودم و چون کتاب‌های مشهور خالی از آن بود و می‌توانست مدرک بسیاری از احکام قرار گیرد، مصمم شدم به جمع‌آوری آن اصول بپردازم که مبادا آن اصول از بین برود (همان: ۴).

گونه شناسی و تحلیل مصادر

علامه مجلسی برای نوشتن تاریخ الحجه در کتاب بحارالانوار از کتاب‌های مختلف روایی، تفسیری، تاریخی و رجالی در بحار استفاده کرده است. همچنین در مقدمه بحارالانوار در فصل دوم به اعتبار سنجی کتاب‌ها می‌پردازد و در این فصل اطلاعات کتاب‌شناسی و رجالی ارزشمندی ارائه می‌کند. وی در صحت انتساب این کتاب‌ها به مولفان آن‌ها بحث و میزان اعتماد خود را بر نسخه‌های فراهم شده از آن آثار و چگونگی نقل مطلب از آن‌ها بیان کرده است. در ذیل کتاب‌هایی که علامه از حدیث، تاریخ، رجال و... استفاده کرده مشاهده می‌کنیم و میزان بهره‌برداری از هر کدام در نمودار مشخص گردیده است.

۱-۱. روایی محض

علامه مجلسی تاریخ را با روش روایی بیان می‌کند؛ لذا بسیار از کتاب‌های روایی استفاده کرده است. در تاریخ الحجه از ۵۱ منبع روایی استفاده کرده که بیش‌ترین استفاده را از کتاب‌های ذیل است: اکمال الدین و اتمام النعمه (۳۲۴ روایت)، الغیبه نعمانی (۳۲۱ روایت)، الغیبه طوسی (۳۲۰ روایت)، مختصر بصائر الدرجات (۸۴ روایت)، الکافی (۷۷ روایت). که در ادامه نگاهی به اعتبارسنجی این منابع داریم:



تحلیل

کتاب کمال الدین و تمام النعمه: تألیف محمد بن علی بن بابویه، معروف به شیخ صدوق (۳۸۱ق) است. این کتاب مورد توجه علمای شیعه بوده و در میان عالمان امامیه مورد اعتبار و ارجاع بوده است (آزادی، ۱۳۹۰: ۱۷۴). صدوق فردی بزرگوار، دارای حافظه قوی، آشنا به رجال حدیث و ناقد اخبار بوده و در میان قمیون کسی همانند او در حفظ و کثرت علم دیده نشده است (حلی، ۱۴۱۱: ۱۴۷). برخی از علمای رجال متأخر، مراسیل وی را در حکم مسانید دانسته‌اند (آزادی، ۱۳۹۰: ۱۷۴).

کتاب غیبت شیخ طوسی: تألیف ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، معروف به «شیخ الطائفه»، یکی از بهترین و مهم‌ترین منابع شناخت امام زمان علیه السلام می‌باشد. شیخ آقابزرگ تهرانی در معرفی کتاب الغیبه در مقدمه این کتاب نوشته است: «یتضمن هذا الكتاب اقوى الحجج والبراهین العقلیه علی وجود الامام الثانی عشر...» (طوسی: ۲۱۷).

کتاب الغیبه نعمانی: تألیف ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر، کاتب نعمانی، معروف به ابن ابی زینب از مشایخ بلند مرتبت و والا منزلت حدیث شیعه (نجاشی، ۱۴۰۸، ش ۱۰۴۳)؛ کتاب وی از مهم‌ترین کتاب‌های روایی امامیه در موضوع ائمه اثنا عشر و غیبت دوازدهمین امام است. ملاک نعمانی در گزینش و نقل احادیث، حصول وثوق به صدور آنها از معصوم است لذا گاه در این اثر احادیثی از روای ضعیف نقل شده است؛ لیکن تعدد طرق روایات و وثوق به صدور آنها از معصوم، جبران کننده ضعف‌های احتمالی احادیث الغیبه نعمانی است (نادری، ۱۳۹۱: ۱۸۱).

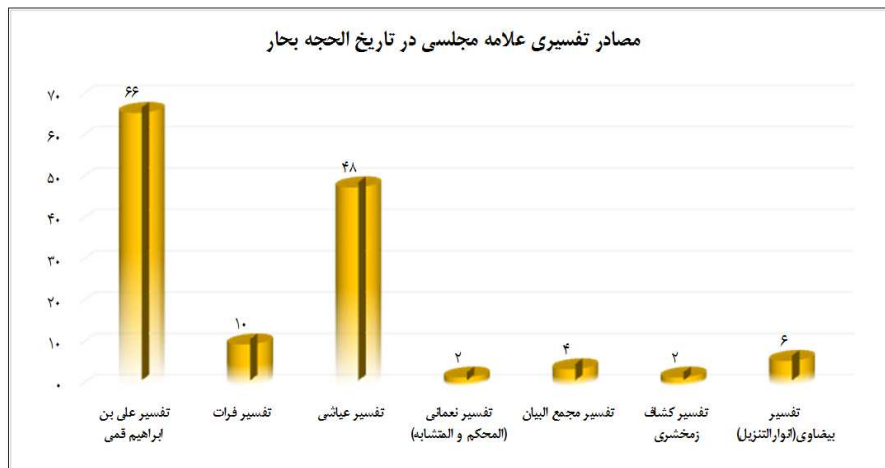
کتاب الکافی: تألیف محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی (م ۳۲۹ق) است. این کتاب یکی از مهمترین کتاب‌های حدیثی و نخستین کتاب از کتب اربعه شیعه است که از بالاترین درجه اعتبار برخوردار است؛ زیرا در حوزه ای مثل حوزه قم نوشته شده و مؤلفش متفکر دوران خودش بوده است و هدف را این‌گونه می‌گوید که تا قیامت، راهنمای همه دانش‌پژوهان باشد. یا خودش می‌گوید من فقط روایات صحیح را در این کتاب می‌آورم. این معیارها باعث می‌شود امتیاز این کتاب بالا برود.

آنچه مشخص است علامه از کتاب‌هایی که اعتبار آنها بیش‌تر است افزون‌تر نقل کرده و در نقل مطالب از کتاب‌هایی که اعتبار آنها کم‌تر است، دقت کرده است. هر چهار کتاب الغیبه طوسی و نعمانی و اکمال الدین و اتمام النعمه و کافی اعتبار بسیار بالایی دارند که در بخش روایی علامه بیش‌ترین روایت را از این کتاب‌ها بیان کرده است.

۲-۱. تفسیری

علامه مجلسی در تاریخ ائمه علیهم السلام از کتاب‌های تفاسیر روایی هم بهره برده است؛ چه تفسیر شیعی، چه تفسیر سنی. همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود، علامه از تفاسیر

شیعی از تفسیر علی بن ابراهیم قمی (۶۶ روایت)، تفسیر عیاشی (۴۸ روایت)، تفسیر فرات (۱۰ روایت)، مجمع البیان (۴ روایت) تفسیر نعمانی (۲ روایت)؛ و از تفاسیر سنی از تفسیر بیضاوی (۳ روایت)، تفسیر کشاف زمخشری (۲ روایت) بهره برده است.



تحلیل

تفاسیر شیعی که علامه از آن‌ها نقل کرده است، از تفاسیر متقدم به حساب می‌آیند. در واقع مولفان آن‌ها در عصر حضور امامان و یا بسیار نزدیک به ایشان می‌زیستند. علامه بیش از همه از تفاسیر قمی بهره برده است؛ تفسیری که مولف آن از عالمان بزرگ شیعه و از محدثان و فقیهان حوزه قم بوده و کلینی حدود نیمی از احادیث «الکافی» را از طریق او نقل کرده است. نجاشی در کتاب فهرست خود وی را به صراحت توثیق می‌کند و او را «ثبت، معتمد و صحیح المذهب» می‌داند (نجاشی، ۱۴۰۸: ۲۶۰) و نجاشی و شیخ طوسی هر دو عالم کتاب شناس شیعه، به کتاب‌های علی بن ابراهیم و از جمله تفسیر او، طریق‌های متصل و معلوم دارند و طریق شیخ کاملاً مورد اعتماد است. از این رو طریق وصول کتاب به نسل‌های پس از مولف مشکل ندارد. لیکن نسخه در دسترس از تفسیر دربردارنده عبارت‌هایی است که انتساب دست کم بخشی از کتاب موجود را به «علی بن ابراهیم» تضعیف می‌کند. لذا روایات

به بررسی سندی و به ویژه متنی نیاز دارد که باید از طریق شیوه اعتبارسنجی محتوایی بررسی شود (مسعودی، ۱۳۹۲: ۲۵).

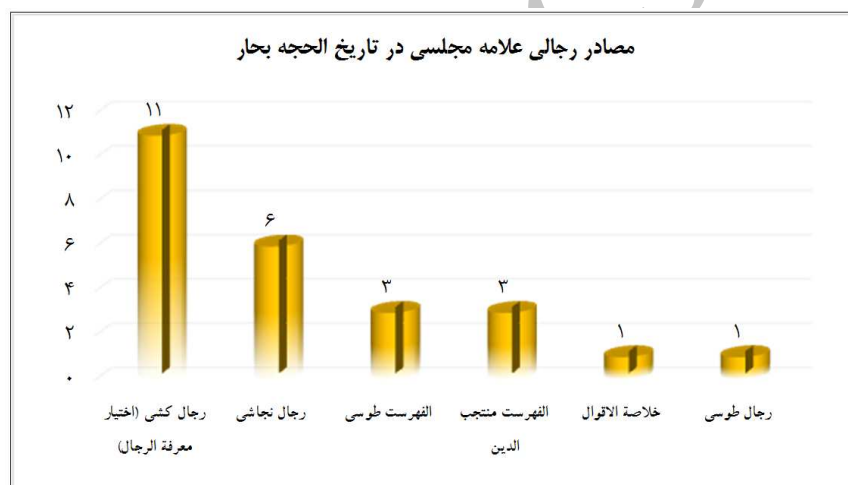
علامه پس از تفسیر قمی حدود ۴۸ روایت از تفسیر عیاشی در بحث تاریخ الحجه بیان داشته است. تفسیر عیاشی هم از تفاسیر کهن تشیع و به زمان ائمه نزدیک است و هم این که دو نسخه قدیمی از این تفسیر را علامه مجلسی دیده است. ابن ندیم، نجاشی و شیخ طوسی هر سه کتاب تفسیر وی را در صدر فهرست کتاب‌های او آورده اند (نجاشی، ۱۴۰۸: ۳۵۰، ش ۹۴۴؛ طوسی، بی تا: ۳۹۶، ش ۶۰۵، ابن ندیم، ۲۰۰۹م: ۲۴۴). این کتاب به طریق وجاده است (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۷۳) و نویسنده اسناد روایت را هنگام نسخه برداری حذف و کتاب را به مشکل جدی بی سند و مرسل بودن دچار می کند (مسعودی، ۱۳۹۲: ۲۸). البته گستردگی دانش عیاشی و منابع متعددی که از هر دو حوزه حدیثی شیعه و اهل سنت در اختیار بوده است، کتاب تفسیر او را از دیگر تفاسیر متقدم، متمایز و آن را به رغم بی سند بودن مقبول محدثان و مفسران متاخر پس از خود کرده است (همان).

علامه روایت اندکی هم از «تفسیر فرات» نقل می کند که موضوع تفسیر فرات بیش تر درباره آموزه‌های شیعی و فضایل اهل بیت است. درباره شخصیت مولف هیچ کس از رجال شناسان متقدم شیعه، مانند کشی، نجاشی و شیخ طوسی و حتی متاخران، ابن داوود و علامه حلی وی را معرفی نکرده اند. مشکل دیگر تفسیر فرات ضعف اسناد است که یا منقطع است و یا با حذف واسطه‌هاست.

چنان که دیده شد، علامه از تفسیر قمی و عیاشی بسیار نقل نموده که تفسیر قمی به اعتبارسنجی محتوایی نیازمند است و تفسیر عیاشی هم با بررسی صحت سندی بسیاری از روایاتش به گردونه اعتبار باز می گردد. علامه از تفاسیر دیگر چون مجمع البیان، المحکم و المتشابه، و تفاسیر سنی بسیار اندک در حد یک یا دو روایت نقل کرده که آن‌ها نیز در شرح احادیث می باشد.

۳-۱. رجالی

علامه برای تبیین احادیث از کتاب‌های فهرست نگاری و رجالی هم بهره برده است؛ داستان‌ها، روایت‌ها و نکاتی که برای شناخت کتاب‌ها و اشخاص رهگشا می‌باشد. برای نمونه (رک: مجلسی، ج ۵۱: ۳۰۷ و ج ۵۱: ۶۰۸)، گاهی هم از این کتاب‌های روایت و یا حدیثی بیان می‌کند که شاهد احادیث دیگر است؛ مانند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۲۸۴).
علامه در تاریخ الحجه بحار از اختیار رجال کشی (۱۱ مرتبه)، رجال نجاشی (۶ مرتبه)، الفهرست طوسی (۳ مرتبه)، الفهرست منتجب الدین (۳ مرتبه)، خلاصة الاقوال علامه حلی و رجال طوسی (هر کدام یک مرتبه) استفاده کرده است.



تحلیل

رجال کشی: محمد بن عمر بن عبدالعزیز (م حدود ۳۴۰)، معروف به کَشّی دارای کتاب رجالی مهمّی بوده که نخستین بار درباره رجال شیعه تدوین یافت و به «معرفة الرجال یا معرفة الناقلين عن الائمة الصادقين» معروف است.

شیخ الطائفه، محمد بن حسن طوسی با اذعان به جایگاه علمی کشی و اعتبار کتاب، تلخیصی از آن که تنها شامل رجال شیعه بود، فراهم آورد و نام کتاب را «اختیار معرفة الرجال» گذاشت. کشی در کتاب رجال خود با ارائه مستندات داوری رجالی نشان می‌دهد که

قواعد و اصول شیعه اصالت دارند و اطلاعات آن گسترده می‌باشد. کتاب رجال کشی که در درون خودش روایات فراوان دارد، در حوزه حدیثی مشهور شیعه نوشته نشده و همین باعث می‌شود اعتماد به این کتاب کاهش پیدا کند.

رجال نجاشی: (م ۴۵۰) به دلیل تنوع اطلاعات و دقت مولف نزد رجالیون شیعه ممتاز بوده است. نجاشی عالمی دقیق و واقف بر وجود اغلاط و اشتباهاتی است که در رجال کشی بوده (رحمان ستایش، ۱۳۸۵: ۱۳۲) و در دانش انساب و تاریخ متبحر بوده است (همان: ۱۳۴). در عظمت و جایگاه علمی نجاشی همین بس که کتاب رجال او به عنوان بهترین منبع اولیه رجال شیعه قلمداد شده و عموماً دیدگاه او به عنوان قول فصل در بررسی روایان مورد توجه قرار می‌گیرد.

رجال و فهرست طوسی: تألیف ابو جعفر محمد بن حسن بن علی طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ق) از بزرگان شیعه در قرن پنجم هجری که از اصول اولیه رجال شیعه محسوب می‌شوند و مورد اعتماد بزرگان رجالی می‌باشد.

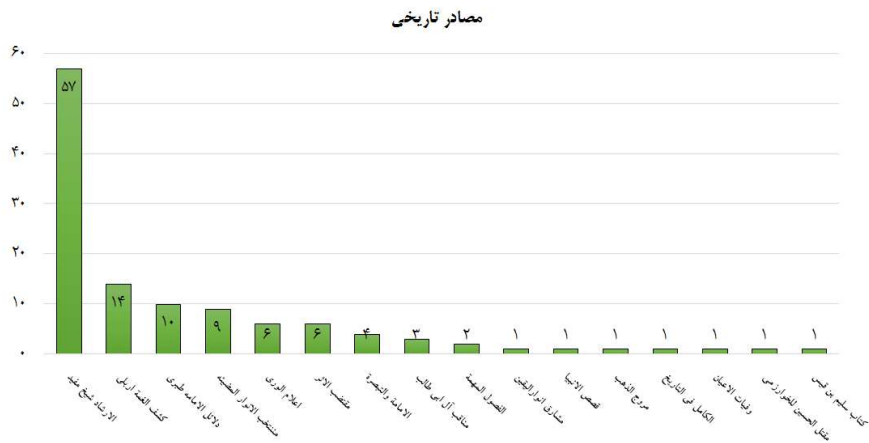
فهرست منتجب الدین: نام کامل آن «فهرست اسماء علماء الشیعه و مصنفیهم» از شیخ منتجب الدین علی بن عبیدالله بن حسن بن بابویه قمی، از بزرگان شیعه در قرن ششم هجری (ولادت ۵۰۴- وفات، بعد از ۶۰۰ق) می‌باشد. در مورد اعتبار این کتاب به هیچ سخنی نیاز نیست؛ چرا که بزرگان وقتی در خصوص شخصیتی سرگردان شوند همین که در «الفهرست» توثیقی در مورد او بیابند، برای آن‌ها کافی است.

کتاب‌های رجالی ما منابعی برای دستیابی به اطلاعات رجالی است و دارای بالاترین درجه اعتبار هستند. علامه حتی در بیان تاریخ از این کتاب‌ها غافل نبوده و از آن‌ها یاری جسته است. در واقع این کتاب‌ها هم از جهت قدمت متعلق به قرن چهارم و پنجم هجری است و هم از جهت اعتبار شخصیت علمی مولفان آن‌ها از زمره علمای برجسته شیعه اند و هم دارای جامعیت نسبی هستند (همان: ۲۵)

۴-۱. تاریخی

به دلیل پیوند حدیث و تاریخ از همان قرن‌های نخست که تاریخ شیعه از احادیث گرفته شده است بسیاری از تاریخ ما درباره ائمه از روایات گرفته شده و علامه از اکثر این کتاب‌ها

بهره جسته‌اند که بیش‌ترین بهره را از این کتاب‌ها برده‌اند: کتاب الارشاد شیخ مفید (حدود ۵۷ روایت)، کشف الغمه عن معرفه الامامه از علی بن ابی الفتح اربلی (۱۴ روایت)، دلائل الامامه طبری (۱۰ روایت)، منتخب الانوار المزیئه (۹ روایت) و ...



تحلیل

کتاب الارشاد: تألیف محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، معروف به شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) مهم‌ترین نوشته‌ای است که در طول تاریخ امامیه از سوی یکی از متکلمان این مکتب در موضوع زندگانی ائمه علیهم‌السلام به صورت مجموعی نگاشته شده است. از این کتاب معتبرترین منابع روایی شیعه و از منابع دست اول درباره زندگانی ائمه علیهم‌السلام می‌باشد. شخصیت نویسنده این کتاب را می‌توان دارای رفیع‌ترین جایگاه در طول تاریخ امامیه دانست (صفری، ۱۳۸۶: ۱۶). علامه در مقدمه بحار الانوار درباره کتاب الارشاد می‌فرماید: «این کتاب از مولفش مشهورتر است.»

کتاب کشف الغمة فی معرفة الائمة: تألیف علی بن عیسی اربلی (متوفای ۶۹۲ ق) از عالمان شیعه قرن هفتم است. این کتاب در شرح حال، فضائل چهارده معصوم علیهم‌السلام نوشته شده و نویسنده در معرفی امامان شیعه علیهم‌السلام، استفاده از منابع اهل سنت را بر منابع شیعی مقدم دانسته و اهمیت بیش‌تر کتاب در بیان روایات از کتاب‌هایی است که برخی از آن‌ها امروزه در دست نیست.

علامه مجلسی^{علیه السلام} از برخی کتاب‌ها زیاد روایت نکرده و علت آن را هم در مقدمه بیان داشته است، مانند کتاب مشارق الانوار، تالیف حافظ رجب برسی. علامه مجلسی درباره این کتاب می‌فرماید:

من به خاطر اشتغال برخی اشتباهات و آمیختگی‌ها بر روایاتی که او در نقل آن‌ها منفرد است، اعتماد نمی‌کنم... بلکه صرفاً از آن‌ها اخباری را برمی‌گزینم که از اصول معتبر اخذ شده‌اند. (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۱۴).

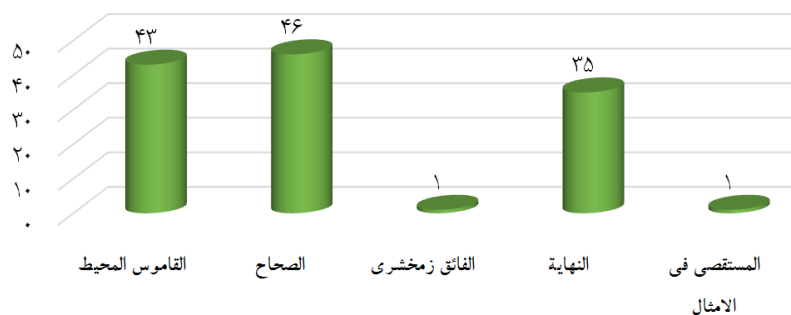
ایشان از کتاب سلیم بن قیس در تاریخ الحججه یک روایت بیش‌تر بیان نکرده است. شیخ مفید درباره کتاب سلیم بن قیس می‌فرماید:
اصل این کتاب ثابت است؛ ولی به دستبرد دچار شده و شایسته اعتماد نیست (همان).

۵-۱. ادبی

علامه مجلسی فقط به منابع شیعی تکیه نکرده و از منابع سنی هم استفاده کرده است و علل نقل از آن‌ها را شناسانده است. وی در این زمینه می‌نویسد:

ماگاہ به کتاب‌های مخالفین خود (اهل سنت) نیز برای تصحیح الفاظ خبر و بیان معانی آن‌ها مراجعه می‌کنیم، مانند کتاب لغت صحاح جوهری (۶۴)، قاموس فیروزآبادی (۴۳)، نه‌یاه جزری (۳۵)، الفائق و مستقصی الامثال زمخشری... (بحار، ج ۱: ۲۲-۲۳).

مصادر ادبی



تحلیل

توضیح لغات و اصطلاحات و مباحث ادبی روایات و احادیث خود راهی است که به فهم درست احادیث منجر می‌گردد و علامه به این مهم اشاره داشته است و در صورت برخورد به واژهٔ مشکلی به کتاب‌های مربوط مراجعه می‌کرد. علامه از سه کتاب لغوی مهم متعلق به قرن چهارم و هفتم و نهم فراوان استفاده کرده است: صحاح اللغة، از اسماعیل بن حماد جوهری (م ۳۹۳)؛ القاموس المحیط، نوشته محمد بن یعقوب فیروزآبادی (م ۸۱۶) و در میان کتاب‌های غریب الحدیث، از النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، نوشته ابن اثیر جوزی (۶۰۶). این سه از مهم‌ترین معاجم زبان عربی به شمار می‌آیند. سیوطی کتاب صحاح اللغة جوهری را دقیق‌ترین کتاب عرب می‌داند. فیروزآبادی که دلیل نامگذاری کتاب خود را چنین بیان کرده است: «آن را القاموس المحیط نامیدم چون دریای عظیمی از لغات را دربر می‌گیرد»؛ در مورد معنایی که برای لغت ذکر کرده فراوان به قرآن کریم و احادیث نبوی استدلال می‌کند.^۱ جزری هم در النهایة احادیث غریبی را که در متون و منابع دینی پراکنده است، گرد آورده و به شرح و توضیح آن‌ها از جهت لغوی پرداخته است.

جمع بندی

علامه مجلسی در هر دسته از مصادر روایی، تاریخی، تفسیری، رجالی و ادبی سعی کرده از منابعی که دارای بالاترین اعتبارند استفاده کند. وی از کتاب‌هایی که از جهت قدمت به قرن‌های اولیه متعلق است و هم از جهت اعتبار شخصیت علمی مولفان شخصیت‌های ویژه علمی هستند فراوان استفاده کرده و از برخی کتاب‌ها که آن‌ها را بر اشتباهات و آمیختگی مشتمل می‌داند، کم‌تر نقل می‌کند و اگر هم نقل کند اخباری را برمی‌گزیند که از اصول معتبر اخذ شده است.

۱. به‌طور مثال در مورد کلمه «وقب» یکی از معانی آن را دخل می‌داند و در این مورد به آیه (غاسقٍ اذا وقب) استشهاد می‌کند: «از شر هر موجود شرور هنگامی که شبانه وارد می‌شود، به خدا پناه می‌برم».

در بحث روایی از سه کتاب «الغیبه طوسی»، «الغیبه نعمانی» و «اکمال الدین» شیخ صدوق بهره برده است که هر سه مولف از عالمان بزرگ شیعه و کتاب‌های آن‌ها مشهور می‌باشند و از اعتبار بالایی برخوردارند. در رجال و تفسیر و ادبی و تاریخی نیز از کتاب‌های معتبر بهره برده است و کتاب‌هایی چون تفسیر قمی هم که تردیدهایی نسبت به آن می‌باشد، به اعتبارسنجی محتوایی نیازمند است.

۲. فهم احادیث تاریخی در اندیشه علامه مجلسی

علامه مجلسی در بررسی روایات تاریخ الحجه برای رسیدن به فهم احادیث، ابتدا صحت متن روایت را احراز و تلاش می‌کند متن معیار فاقد هرگونه تحریف را به دست آورد و فهم را بر آن استوار کند. بعد از دریافت فهم متن با قرینه‌های گوناگون مقامی و کلامی به دنبال مراد جدی گوینده می‌باشد. در واقع به فهم ظاهری متن بسنده نکرده و به دنبال کشف مراد جدی گوینده است. لذا در ادامه ذیل سه عنوان صحت متن، فهم متن و فهم مقصود بررسی روایات تاریخ الحجه علامه مجلسی را بیان می‌کنیم.

بررسی صحت متن (متن معیار)

نخستین مرحله پیش از ورود به فهم متن، احراز صحت متن منقول روایت است. از این رو علامه مجلسی نخست به بررسی صحت متن روایت‌های مورد بحث می‌پردازد و در مرحله بعد آن‌ها را شرح می‌دهد. وی برای احراز صحت متن از روش‌های فرعی زیر بهره می‌گیرد:

۱. توجه به نسخه‌های گوناگون

دستیابی به نسخه‌های متعدد یکی از بهترین راه‌های احراز صحت متن و اطمینان نسبی برای دریافتن متن اصلی می‌باشد. با توجه به نبود امکانات نشر و رواج نسخه برداری در قرون گذشته، احتمال ورود آسیب‌های مختلف در متن روایات، فراوان دیده می‌شود. علامه مجلسی به اختلاف نسخه‌ها توجه زیادی دارد و از ویژگی‌های ایشان این است که برای تحصیل نسخه‌های خطی تصحیح شده و کتاب‌های روایی بسیار دقیق و کوشا بوده و واقعا بهترین نسخه‌ها را تهیه کرده است (عابدی، ۱۳۷۸: ۹۶)؛ چرا که مهم‌ترین نکته در تصحیح متن،

اطمینان از نسخه‌هایی است که متن از آن‌ها اخذ می‌شود. علامه نسخه‌های مختلف را مقایسه و مقابله می‌کرد. ایشان، در مواردی که تفاوت نسخ، موجب تفاوت معانی می‌شوند، اختلاف نسخه و معانی آن‌ها را تذکر می‌دهد. علامه در ذیل روایتی پس از مقابله با نسخه‌های دیگر، چنین بیان داشته است: کانت النسخ مصحفه محرّفة فی أكثر ألفاظها (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۲۱: ۸۹)؛ و یا در روایت‌های مختلف کلمه مورد اختلاف را بیان می‌کند: «... فَسَلُّونِي قَبْلَ أَنْ تَبْقَرَ بِرِجْلِهَا فَتَنَّةً شَرْقِيَّةً...» (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۲۱: ۴۷).

علامه بیان می‌کند در بعضی از نسخه‌ها به جای تبقر، بالنون و الفاء ای تنفر آمده است و یا در مواردی اختلاف اسامی ناقلان روایت را از اشتباه ناسخان دانسته است (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۲۱: ۳۱۴).

۲. توجه به تصحیف در روایات

«مصحّف» حدیثی را گویند که قسمتی از سند یا متن آن به کلمه یا عبارت مشابه آن تغییر یافته باشد (مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۲۳۷). «تصحیف» به هر شکلی که در متن حدیث رخ دهد به فهم درست و درک مقصود اصلی گوینده آن صدمه خواهد زد. یکی از راه‌های شناخت تصحیف در متن، مراجعه به نسخه‌ای مختلف از یک متن است (شبییری، ۱۳۷۵: ۲۰). همان‌طور که بیان شد، علامه پس از مقابله با نسخه‌های دیگر مصحف بودن حدیث را بیان می‌کند و گاهی هم اگر متن حدیثی با مسلمات در تضاد باشد، بیان می‌کند:

روایتی است از رسول خدا ﷺ که می‌فرماید:

... اسْمُهُ اسْمِي وَ اسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِي يَمَلُّ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَّيْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛

علامه می‌فرماید:

اگر گفته شود، اسم پدر مهدی علیه السلام با نام پدر پیغمبر تطبیق نمی‌کند؛ خود چند جواب داده است؛ اما بهترین جوابی که خود پذیرفته، این است: «ابی» تصحیف «ابنی» است (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۲۱: ۸۰).

۱. موارد بیشتر رک: بحار الانوار، ج ۵۱: ۴۰ و ۳۰۰، ج ۲۱: ۳۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲: ۳۰ و ۴۰.

۳. توجه به تقطیع روایت‌ها و افتادگی در متن

یکی دیگر از روش‌های علامه رعایت اصل اختصار است که یکی از ویژگی‌های برجسته کتاب بحارالانوار علامه مجلسی است. علامه برای جلوگیری از طولانی شدن مجموعه حدیثی خود، جاهایی که متن یا سند حدیث با حدیث قبلی شبیه است با کلمه «مثله» بیان می‌کند^۱ و یا اگر حدیث را تقطیع کرده باشند از آن خبر می‌دهد و محل اصلی نقل آن را هم بیان می‌کند.^۲ علامه از افتادگی در متن هم خبر می‌دهد:

نی، [الغیبة للنعمانی] ابْنُ عَقْدَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ التَّمِيمِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ بْنِ خَالِدٍ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ نُبَاتَةَ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيّاً يَقُولُ إِنَّ بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ سِنِينَ خَدَاعَةٌ يُكَذَّبُ فِيهَا الصَّادِقُ وَ يُصَدَّقُ فِيهَا الْكَاذِبُ وَ يَقْرَبُ فِيهَا الْمَاحِلُ وَ فِي حَدِيثٍ وَ يَنْطِقُ فِيهَا الرَّؤُوبِضَةُ قُلْتُ وَ مَا الرَّؤُوبِضَةُ وَ مَا الْمَاحِلُ قَالَ أَمَا تَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ قَوْلُهُ وَ هُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ قَالَ يُرِيدُ الْمَكْرَ فَقُلْتُ وَ مَا الْمَاحِلُ قَالَ يُرِيدُ الْمَكَّارَ

در ذیل این روایت علامه چنین بیان می‌کند:

لعل فی الخیر سقط؛ گویا از روایت چیزی افتاده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۲۴۶).

فهم متن

پس از اطمینان از صحت متن روایات؛ سراغ فهم متن می‌رویم. متن یک حدیث، حاوی لغات و اصطلاحاتی است که برای دستیابی به فهم اولیه روایت، ناگزیر باید آن‌ها را بفهمیم. علامه مجلسی برای فهم متن از مواردی چون معناشناسی واژه، بررسی واژه‌های غریب، بلاغت، کنایه و شعر بهره برده و گاهی هم برای فهم احادیث به تشکیل خانواده احادیث پرداخته است.

۱. ج، [الإحتجاج] عن حنان بن سدیر مثله، بحارالانوار، ج ۵۱: ۱۳۳، ج ۲۱: ۱۰۱ باب سوم حدیث اول، بحارالانوار، ج ۵۱: ۱۵۰، ج ۲۱: ۱۱۵، باب هفتم، حدیث اول.
۲. بحارالانوار، ج ۵۱: ۶۶، ج ۲۱: ۵۴ (باب ششم، حدیث سوم)، أقول قد مضی کثیر من الأخبار فی باب النصوص علی الاثنی عشر و بعضها فی باب علل أسماؤه، بحارالانوار، ج ۵۲: ۹۳.

غریب الحدیث مهدویت

برای دستیابی به معنای لغوی، بهترین روش، مراجعه به کتاب‌های لغت است. همان‌طور که در مصادر ذکر شد، علامه برای تبیین لغات به طور عمده از الصحاح جوهری، قاموس المحيط فیروزآبادی، النهایه ابن اثیر جزری استفاده کرده که ما را در رسیدن به معنای صحیح تر رهنمون می‌سازد. علامه معنای لفظ «جران» را از کتاب قاموس المحيط فیروز آبادی بیان کرده است:

الجران باطن العنق و منه حتی ضرب الحق بجرانه أی قر قراره و استقام کما أن البعیر إذا برک و استراح مد عنقه علی الأرض (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۲۱: ۶۸).

یا در روایت دیگر که گویای برطرف شدن سختی و گرفتاری از روزگار پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام است معنای عبارت «یذهب الزمان الکلب» را از کتاب النهایه ابن جزری استفاده کرده است:

قال الجزری کلب الدهر علی أهله إذا ألح علیهم و اشدت (همان: ۵۶۱).

و در روایت دیگری «میدح البطن» را از کتاب قاموس معنا کرده است:

«أی واسعة و عریضة قال الفیروزآبادی البدح کسحاب المتسع من الأرض أو اللینة الواسعة و البدح بالكسر الفضاء الواسع و امرأة بیدح بادن و الأبدح الرجل الطویل السمین...» (همان: ۲۹).

علامه برخی از واژه‌هایی هم که در روایت آمده است و به نظر مبهم می‌آید با توجه به

اطلاعات بیرونی خود شرح می‌دهد؛ مانند روایتی که علائم قائم را بیان می‌کند:

شَامَةٌ بَيْنَ كَتِفَيْهِ مِنْ جَانِبِهِ الْأَيْسَرِ تَحْتَ كَتِفَيْهِ وَرَقَةٌ مِثْلُ وَرَقَةِ الْأَسِّ ابْنُ سَيْتَةٍ وَابْنُ خَيْرَةِ الْإِمَاءِ؛ در سمت چپ شانه‌های او خالی است و هم در زیر شانه‌هایش نشانه‌ای است چون برگ درخت آس فرزند شش می‌باشد و مادرش بهترین کنیزها است (همان: ۳۵).

علامه در توضیح این روایت چنین بیان می‌کند:

در این روایت و سایر روایات که می‌فرماید امام فرزند شش می‌باشد ابن سته یا مقصود وقت رسیدن امام زمان علیه السلام به مقام امامت است که شش ساله بوده، و یا پدران حضرت جمعا شش اسم داشته‌اند: محمد، علی، حسین، جعفر، موسی، حسن، این موضوع برای هیچ یک از ائمه حاصل نشده است و... (همان).

گاهی اوقات هم اطلاعاتی پیرامون محل، شهر و... ارائه می‌دهند: در روایت استاباد آمده است و علامه ذیل این روایت بیان می‌کند که شاید «استاباد» همان جاست که امروز به اسد آباد معروف می‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۴۲) و یا در روایتی که از کتاب غیبت نعمانی از امام صادق علیه السلام بیان شده است که صاحب الامر از نظرها غایب است؛ چون چاره ای ندارد و طیبه برای منزل کردن چه جای خوبی است؛ علامه در ذیل این روایت بیان می‌کند که «طیبه» اسم مدینه طیبه است (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۲۱: ۳۸۹-۳۹۰).

توجه به بلاغت

علامه علاوه بر معنای لغوی بر این آگاه است که برای رسیدن به فهم هر متن باید اصول و قواعد زبان آن متن را کشف کرد و به آن اشراف داشت. وی در شرح احادیث بعد از معنای لغت در مواضع متعدد به قواعد صرفی و نحوی دقت دارد؛ از جمله علامه به ارجاع ضمیرها که بر معنا تاثیر می‌گذارد، دقت داشته و بیان می‌کند که مرجع ضمیر به چه کسی برمی‌گردد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱: ۳۲۶)، و یا به قواعد عربی مانند استفهام انکاری توجه دارد که این بر درک معنا خیلی مؤثر است. برای نمونه می‌بینیم: شخصی خدمت امام صادق علیه السلام می‌رسد و می‌پرسد: شما صاحب ما هستید؟ حضرت می‌فرماید: من صاحب شما هستم؟ آن‌گاه پشت بازوی مبارکش را گرفت و فرمود: من پیرمردی سالخورده‌ام صاحب شما جوانی نارس است. علامه ذیل این روایت چنین بیان می‌کند: «من صاحب شما هستم» استفهام انکاری است (یعنی صاحب الامر نیستم) (همان: ۲۸۰)؛ یا در روایت‌های دیگر علامه حتی نقش کلمات مانند حال را بیان می‌کند (همان: ۹۱).

روایات ائمه از فصاحت و بلاغت سرشار و به همه گونه زیبایی‌های لفظی و معنوی آراسته است، گونه‌هایی چون استعاره و کنایه... همه از موارد صنایع ادبی است (مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۰۱). علامه به این صنایع هم عنایت داشته است. برای نمونه در روایت آمده است: «... أَلْفَرَجِ مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِكُمْ...» علامه بیان می‌کنند که انتظار فرج از زیر قدم کنایه از نزدیکی فرج و آسانی حصول آن است؛ یعنی در آن زمان‌ها در عین این که باید در انتظار فرج به سر

ببرید، از آمدن آن حضرت هم مایوس نباشید (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱: ۱۵۹). در نمونه‌های دیگر منظور از «اختلاف سنین» قحطی و خشکسالی است، یا این که کنایه از حوادثی است که در آن سال‌ها پدید می‌آید (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۲) و یا در روایتی واژه «بنو مرداس» به کار رفته است. علامه بیان می‌کند این کنایه از «بنی عباس» است؛ زیرا مردی در میان صحابه بود که او را «عباس بن مرداس» می‌گفتند (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۲۱: ۴۴۷).

بهره‌مندی تاریخی از متون ادبی (استفاده از شعر)

در برخورد با مطالعه تاریخی ما با متن مواجه هستیم. در متن مهم این است که بتوان از آن متن استفاده تاریخی کرد و لازم نیست الزاما خود آن متن یک متن تاریخی باشد؛ مثلاً حتی از این شعر حافظ «عشقت رسد به فریاد تا خود بسان حافظ قرآن ز بر بخوانی در چهارده روایت» می‌توان فهمید که در زمان او قرائت‌های مختلف رواج داشته است (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۲۵). همچنین علامه اشعاری را از دیوان امام علی علیه السلام ذکر کرده که خود بر تاریخ دلالت دارد و گویای به قدرت رسیدن حضرت مهدی علیه السلام و به عدل حکومت کردن وی می‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱: ۱۳۲):

بُنِي إِذَا مَا جَاشَتْ التُّرُكُ فَانْتَظِرْ
وَلَايَةَ مَهْدِيٍّ يَقُومُ فَيَعْدِلُ
وَذَلَّ مُلُوكَ الْأَرْضِ مِنْ آلِ هَاشِمٍ
وَبُيِعَ مِنْهُمْ مَنْ يَلْدُ وَيَهْزَلُ
صَبِيٍّ مِنَ الصَّبِيَّانِ لَا رَأَى عِنْدَهُ
وَلَا عِنْدَهُ جِدٌّ وَلَا هُوَ يَعْقِلُ
فَثُمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ الْحَقُّ مِنْكُمْ
وَبِالْحَقِّ يَا تَيْكُمُ وَبِالْحَقِّ يَعْملُ
سَمِيٌّ نَبِيٌّ اللَّهُ نَفْسِي فِدَاؤُهُ
فَلَا تَخْذُلُوهُ يَا بَنِيَّ وَعَجَّلُوا

تشکیل خانواده حدیث

احادیثی که هم مضمون و مرتبط هستند و وجه اشتراک اصلی آن‌ها نظر داشتن به یک موضوع محوری است؛ می‌توانند با هم تشکیل یک خانواده حدیث دهند. از این طریق می‌توان معنای سخن معصوم را دریافت. علامه مجلسی هم در فهم احادیث از احادیث دیگر یاری گرفته که این همان خانواده حدیث است. برای نمونه علامه روایتی که مادر حضرت

مهدی علیه السلام را «فرزند کنیزی سیاه» معرفی کرده است^۱ با روایات وارد در این موضوع مخالف می‌داند^۲ (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۲۱: ۱۶۲). موارد بسیاری در بررسی مدت غیبت صغرا (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۶۷) تاریخ ولادت (همان: ۴) است که علامه با قراردادن روایت‌های مختلف کنار هم به نتیجه رسیده است.

فهم مقصود

فهم مقصود دست یافتن به معنای واژه‌ها و ترکیب آن‌هاست که در گرو گردآوری همه قرینه‌ها، اعم از قرینه‌های داخلی و خارجی، لفظی و مقامی و نیز توجه به احادیث متعارض است (مسعودی، ۱۳۸۹: ۶۹). علامه در فهم مقصود از طریق گردآوری قرینه‌های حدیثی، مانند آیات قرآن کریم، عقل، احادیث دیگر اهل بیت علیهم السلام، و توجه به احادیث معارض به دنبال کشف مراد جدی و مقصود اصلی معصوم می‌باشد. به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

عنایت به میراث حدیثی پیشینیان

علامه در بحارالانوار از نظریات و ایده‌های عالمان و محدثان و مورخان بهره بسیار برده است و با ذکر نام آن‌ها ایده‌های آنان را بیان می‌کند. برای نمونه علامه مجلسی ذیل آیه ۱۰۵ سوره انبیاء: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ»؛ نظر علی بن ابراهیم قمی را بیان می‌کند که «ذکر» را تمام کتاب‌های آسمانی می‌داند. بنابراین، معنی آیه این است: قبل از زبور نیز در کتاب‌های آسمانی نوشتیم. مفسرین دیگر گفته‌اند: «ذکر» تورات است و نیز گفته شده که «زبور» نوع کتاب‌های آسمانی و «ذکر» لوح محفوظ است (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۲۱: ۳۸).

نمونه‌های دیگر: علامه در باب دوازدهم تاریخ الحجه بحار نظریه شیخ طوسی را درباره اثبات وجود اقدس امام زمان علیه السلام از کتاب غیبت بیان می‌کند و به بیان اشکالات و پاسخ آن‌ها

۱. إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ فِيهِ سِنَّةٌ مِنْ يُوسُفَ بْنِ أُمِّ سَوْدَاءَ؛ صاحب الامر سنتی از یوسف دارد، او فرزند کنیزی سیاه است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱: ۲۹۱).

۲. برای دیدن روایات مراجعه کنید به مقدمه کتاب ترجمه مهدی موعود علی دوانی در بحث راجع به مادر امام زمان علیه السلام.

پرداخته و نیز از سخنان سید مرتضی در کتاب شافی درباره علت غیبت امام زمان و این که غیبت امام لطف است؛ سخن می گوید (همان: ۱۲۷ و ۱۵۸). در باب چهاردهم معمرین از کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق بسیار بهره برده است و پاسخ سید مرتضی به ایراد مخالفین درباره طول عمر را بیان می کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱: ۲۸۷). علامه برای تایید روایی از کتاب های تاریخی مانند ابن خلکان بهره برده و بیان کرده که به عقیده شیعه امام زمان که امام دوازدهمین است، زنده می باشد و شیعیان او را منتظر و قائم و مهدی می نامند (همان: ۲۱). و یا از کتاب های دیگری مانند الفصول المهمه، الدروس شهید اول مطالبی عنوان می کنند. (همان: ۲۳). در نمونه ای دیگر علامه برای فهم بخشی از روایت «خَرَابُ الْبُصْرَةِ عَلَى يَدِ رَجُلٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ يَتَّبِعُهُ الزُّنُجُ...»؛ شهر بصره به وسیله شخصی از نسل تو که پیروان زنگیان می باشند، خراب شود.^۱ از کتاب های تاریخی چون شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، کامل ابن اثیر و مروج الذهب مسعودی بهره برده است (همان: ۵۵ - ۵۷).

مرجعیت قرآن در فهم حدیث

قرآن معیار اصلی سنجش محتوای احادیث و مهم ترین مأخذ و مرجع مورد استفاده در دستیابی به فهم صحیح از روایات است. علامه مجلسی از آیات قرآن در موارد متعددی برای رسیدن به فهم صحیح از حدیث استفاده می کند. وی در بسیاری از موارد آیات قرآن را شاخص فهم حدیث شناسانده است. در واقع برداشت درست و صحیح از حدیث را با توجه به مفاهیم آیات قرآنی بیان کرده است. برای نمونه بر اساس حدیثی از پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسیدند: آیا شیعه از وجود قائم در مدت غیبتش، بهره مند می شود؟ حضرت فرمود: آری؛ به خداوندی که مرا به پیغمبری مبعوث گردانیده؛ آن ها از وجود او منتفع می شوند و از نور ولایتش در طول غیبت استضاء می کنند؛ چنان که از آفتاب پشت ابر استفاده می برند.» علامه در توضیح روایت به آیه ۳۳ سوره انفال استناد می کند و می فرماید: اگر آن ها نبودند مردم به وسیله اعمال زشت مستحق انواع عذاب

۱. اشاره به داستان «صاحب الزنج» است که در بصره قیام کرد.

الاهی بودند؛ چنان که خداوند فرموده است: وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ
... (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۲۱: ۳۴۴).

علامه آیاتی از قرآن (حدود ۶۶ آیه) را که در روایت‌های مختلف تأویل آن را به امام
زمان علیه السلام دانسته از کتاب‌های مختلف تفسیری در باب پنجم از تاریخ الحجه بیان کرده است
که نمونه ای از آن را می‌نگریم: از کتاب تفسیر قمی در ذیل آیه هشتم سوره هود: «وَلَكِنَّ
أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ...»، آمده است: «امه معدوده» اصحاب قائم آل محمد
است که سپید و سیزده نفر می‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱: ۴۴).

علامه با توجه به این که بطون آیات در یک سطح نیستند و برخی نسبت به برخی دیگر از
عمق و ژرفای بیش‌تر برخوردارند؛ در بررسی روایات به این امر، یعنی مراتب بطون آیات و
دشواری فهم آنها توجه داده است. به عنوان نمونه، در روایتی از علی علیه السلام معنای آیه شریفه
«أَنْ أَشْكُرَ لِي وَ لِوَالِدِيكَ؛ این که از من و از پدر و مادر سپاسگزاری کنی» (لقمان: ۳۱)؛ سؤال
شد. ایشان در پاسخ فرمود:

الْوَالِدَانِ لِلدَّانِ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُمَا الشُّكْرَ، هُمَا اللَّذَانِ وَكَدَا الْعِلْمَ وَ وَرَتَا الْحُكْمَ...؛
مقصود از والدین که خداوند، سپاسگزاری از آنان را لازم دانسته، کسانی هستند
که دانش می‌آفرینند و حکمت را به میراث می‌گذارند.

علامه مجلسی در تبیین این روایت چنین آورده است:

... والتأویل الوارد فی الخبر من أغرب التأویلات، علی تقدیر صدوره عنهم علیهم السلام،
من البطون العمیقة البعیده عن ظاهر اللفظ و علمه عند من صدر عنه؛ تأویلی که
در این روایات آمده، از پیچیده‌ترین تأویل هاست و اگر اصل صدور آن‌ها را از
اهل بیت علیهم السلام بپذیریم، باید آن را از جمله بطن‌های عمیق قرآن بدانیم که از
معنای ظاهری لفظ دور بوده و آگاهی از آن نزد ائمه علیهم السلام است.

چنان که پیداست، ایشان، تأویل پدر و مادر مورد اشاره در آیه شریفه را به بنیان‌گذاران
علم و حکمت، تأویل غریب و ناآشنا دانسته و عمیق بودن بطن آیه را از جهت دور بودن آن
از ظاهر لفظ بر شمرده است. ایشان در جایی دیگر، تأویل چاه تعطیل شده و قصر برپا را - که
در آیه شریفه «وَبِئْسَ مَعْطَلَةٌ وَ قَصْرٌ مَشِيدٌ» (حج: ۲۲)، آمده؛ به ترتیب، به امام خاموش و امام

گویا تفسیر شده است نیز، از جمله تأویل‌های غریب و نامأنوس دانسته است. مقصود ایشان از تأویل غریب، ژرفای عمیق باطن آیه است که از دسترس ظاهر دور است و در روایت به آن اشاره شده است (نصیری، ۱۳۸۰: ۳).

عقل باوری

بحارالانوار که دایرة المعارف علوم نقلی شیعه است، از مسائل عقلی بیگانه نبوده و مجموعه‌ای از دانش معقول و منقول را در خود جای داده است (نورالدین، ۱۳۸۸: ۲۵۳). علامه مجلسی در آثار خود به نقل به تنهایی بسنده نکرده، بلکه ادله عقلی را نیز بیان کرده، برای عقل شش معنی ذکر کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۹۹). علامه مجلسی معتقد است که عقل باید در ذیل وحی حرکت کند و در غیر از مباحث اولیه (که در آن‌ها عقل مستقل عمل می‌کند) در مابقی موارد عقل باید در کنار وحی و در ذیل نور وحی حرکت کرده و به فهم و تبیین آن بپردازد. علامه در جلد هفتم بحارالانوار برخی از مبانی شیعه را در اعتقاد به ائمه علیهم‌السلام اثبات می‌کند؛ از جمله ضرورت احتیاج به امام؛ امامت با تعیین و نص؛ لزوم شناخت امام و وجوب اطاعت امام.

ایشان برای اثبات وجود امام زمان و طولانی بودن عمر ایشان از کتاب کشف الغمه اربلی علاوه بر ادله نقلی ادله عقلی را عنوان می‌کند:

پاسخ کسی که از راه طول زمان غیبت، منکر مهدی علیه‌السلام شده است به دو گونه است: نقلی و عقلی... (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۲۱: ۷۷).

نمونه دیگر در باب دوازدهم تاریخ الحجه علامه مجلسی گفتار شیخ طوسی را در زمینه اثبات غیبت وجود اقدس امام زمان بیان می‌کند و به رد عقیده کیسانیه، ناووسیه، واقفیه و رد عقائد باطل فرقه‌های گمراه درباره آن حضرت پرداخته، اشکالات را مطرح و پاسخ‌ها را بیان می‌کند (همان: ۱۲۷-۱۵۸) و در آخر خود علامه بیان می‌کند:

به نظر ما خوب است که پاسخ مخالفین را بدین گونه بدهیم که لطف در صورتی شرط تکلیف است که مشتمل بر مفسده‌ای نباشد. درباره امام زمان علیه‌السلام هم می‌گوییم:

ممکن است آشکار بودن حضرت برای معتقدان مشتمل بر مفسده عظیم باشد؛ به طوری که موجب استیصال و احتیاج آن‌ها شود و ناگفته معلوم است که ظاهر بودن امام با این حالت برای معتقدین به حضرتش لطف نیست» (همان: ۱۵۹).

اختلاف و تعارض

اختلاف اخبار و تعارض به تنافی و ناسازگاری در مفاد و مدلول خبرها و روایات اطلاق می‌شود که خود اسباب و عوامل متعددی دارد (دلبری، ۱۳۸۶: ۳۵-۴۰). اگر در سخنان معصومین علیهم‌السلام توهم تناقضی حس شود، از باب علل مختلف می‌باشد؛ چنان‌که امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند:

بدانید که سخن شاخه‌ها و حالت‌های گوناگونی دارد... و کلام تحت تأثیر حالت‌های گوناگون است (مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۸۹).

لذا اختلاف و تعارض از دانش‌های مهم حدیثی است که شناخت آن برای عالمان و دانشوران ضروری است. علامه مجلسی در ذیل روایات به این مهم توجه داشته و در مواردی به برطرف نمودن این اختلاف و تعارض سعی دارد. برای نمونه علامه روایاتی از کتاب‌های کافی و کمال الدین بیان کرده که تولد حضرت حجت را در سال ۲۵۵ هجری بیان کرده است: «کاء [الکافی] وُلِدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلنُّصَفِ مِنْ شَعْبَانَ سَنَةِ خَمْسٍ وَ خَمْسِينَ وَ مِائَتَيْنِ» (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۲۱: ۷) و در روایت دیگر که آن هم از کتاب کمال الدین شیخ صدوق رحمته‌الله و غیبت شیخ طوسی رحمته‌الله است، تولد حضرت را در سال ۲۵۶ هجری بیان کرده است:

ک، [کمال الدین] جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُورٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ خَرَجَ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ عِندَ قَتْلِ الزُّبَيْرِيِّ هَذَا جَزَاءً مِمَّنْ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي أَوْلِيَائِهِ زَعَمَ أَنَّهُ يَقْتُلُنِي وَ لَيْسَ لِي عَقِبٌ فَكَيْفَ رَأَى قُدْرَةَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ وُلِدَ لَهُ وَ سَمَاهُ مُحَمَّدٌ سَنَةَ سِتِّ وَ خَمْسِينَ وَ مِائَتَيْنِ؛ در کتاب کمال الدین از معلى بن محمد روایت نموده که گفت: از امام حسن عسکری علیه‌السلام نقل شد که زمانی که زبیری به قتل رسید حضرت فرمود: این است پاداش کسی که نظر رحمت حق را نسبت به اولیایش دروغ دانست و گفته بود مرا خواهد کشت و فرزندی نخواهم داشت که جانشین من باشد؛ ولی او دید که خود کشته

گشت و خداوند فرزندی به نام (محمد) در سال ۲۵۶ هجری به من عطا کرد.
(همان).

علامه بین این دو گونه روایت چنین رفع تعارض می‌کند: ۱. از نظر نحوی: روایتی که سال ولادت حضرت را ۲۵۶ هجری می‌داند، شاید این عدد ظرف برای کلمه قتل یا خرج باشد. ۲. علامه احتمال دیگری هم داده است که شاید یکی از تاریخ‌ها به قمری و دیگری به شمسی باشد.

تقیه

از جمله علل و عوامل پیدایش تعارض در روایات وجود شرایط «تقیه» است. تقیه یکی از اصول و مبانی شیعه است که در روایات از آن فراوان یاد شده است. تقیه مخفی کردن حق و مخفی نگاه داشتن اعتقاد به حق است؛ و پرده پوشی از مخالفان؛ و این که در مقابل دشمن کاری را که به دین یا دنیای تو ضرر می‌رساند، انجام ندهی (مفید، ۱۴۱۴: ۶۶). در برخی روایات، ائمه خود به صراحت به تقیه کردن سفارش کرده و در برخی خود علامه نظر بر تقیه داشتن موضوع روایت داشته است.

در روایتی از کتاب غیبت نعمانی امام علیه السلام فرمایند: ...

قَالَ إِنَّا وَاللَّهِ لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ مِنْ شِيعَتِنَا فَقِيهَا حَتَّى يُلْحَنَ لَهُ فَيَعْرِفَ اللَّحْنَ.
(مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۲۱: ۸۷).

علامه مجلسی بیان می‌کند که «حتی یلحن..»؛ یعنی با رمز و ایما و تعریض از جهت تقیه و مصلحت سخن گفته شود و شیعیان ما این نکته را می‌دانند.

نمونه دیگر روایتی از کتاب کافی و ارشاد آمده است:

كَأَنَّ [الكافي] شأ، [الإرشاد] عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ لَمَّا مَاتَ أَبِي وَصَارَ الْأَمْرُ إِلَيَّ كَانَ لِأَبِي عَلَى النَّاسِ سَفَاتِحٌ مِنْ مَالِ الْغَرِيمِ يَعْنِي صَاحِبَ الْأَمْرِ عليه السلام قَالَ الشَّيْخُ الْمُفِيدُ وَهَذَا رَمَزٌ كَانَتْ الشَّيْبَةُ تَعْرِفُهُ قَدِيمًا بَيْنَهَا وَ يَكُونُ خَطَابُهَا عَلَيْهِ لِلتَّقِيَّةِ... (همان: ۲۲۳).

علامه مجلسی بیان می‌کنند: «غریم» در ابتدای روایت از باب تقیه گفته شده و مقصود

امام زمان علیه السلام است و بعد به توضیح این لفظ می‌پردازند که چرا این واژه به کار برده شده است. این لفظ یا به معنی بدهکار یا طلبکار است. اگر مقصود معنی اول باشد، باید گفت امام زمان بدهکار مردم است؛ زیرا مردم او را می‌طلبند تا علوم و احکام دین را از وی بگیرند؛ ولی او روی مصالحی از جامعه غایب شده؛ پس او غریب و مدیون مردم و غایب و پنهان است و اگر به معنی دوم باشد، خیلی روشن است؛ زیرا اموال امام در دست مردم و به ذمه آنها است و بنابراین امام طلبکار مردم است.

نمونه دیگر روایتی است که خود ائمه در روایات ما را به تقیه امر می‌کنند:

... كُونُوا كَالْحُلِّ فِي الطَّيْرِ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الطَّيْرِ...؛ مانند زنبور عسل میان پرندگان باشیم؛ یعنی آنچه از دین حق در دل خود دارید برای دشمنان ظاهر نگردانید که شما را می‌کشند؛ چنان‌که زنبور عسل آنچه در شکم دارد برای پرندگان آشکار نمی‌سازد که اگر آن را آشکار سازد، او را نابود خواهند ساخت (همان: ۲۲۳).

بینش تاریخی علامه

علامه تاریخ را با واقعیت‌گرایی و پرهیز از هر گونه مبالغه و خیال‌پردازی از طریق روایات بیان و در نگارش تاریخ خود سعی کرده تا با ارائه دادن سلسله سند امکان نقد بیرونی را فراهم کند که این خود مجالی برای نقد متن است و امکان ارزیابی و بررسی متن روایت را ایجاد می‌کند. در غیر این صورت، تمام اعتماد ما بر روی شخص علامه مجلسی باقی می‌ماند. ویژگی بارز دیگر که از نظر تاریخی حائز اهمیت است این‌که وقتی یک واقعه را از منابع مختلف نقل می‌کند، روایت‌های مختلف را که دیدگاه‌های متفاوتی دارند، مخلوط نمی‌کند؛ یعنی هر واقعه و داستانی را جدا از واقعه دیگر نقل می‌کند و نظر شخصی خود را در روایت‌ها وارد نمی‌کند.

ویژه بارز دیگر علامه که ایشان را از دیگران متمایز می‌گرداند، تفحص علامه و بیان احادیث از کتاب‌های مختلف است. علامه برای یک موضوع روایت‌های متعدد از راویان و کتاب‌های گونه‌گون بیان می‌کند. از جمله ابزارهایی که علامه در تاریخی‌نگری خود به کار

می‌برد، شواهد تاریخی، منقولات دیگران، اخبار مشهور و روایات تاریخی است که در ذیل به دو نمونه اشاره می‌کنیم.

شواهد تاریخی

منابع تاریخی که محققان از آن استفاده می‌کنند بر سه قسم است: منابع باستان شناسی، منابع اطلاعات کتبی، منابع اطلاعات شفاهی. مدارک باستان شناسی بسیار متنوع است (شارل، ۱۳۷۵: ۲۷۶). منابع باستان شناسی از اسنادی استخراج می‌شوند که هیچ‌گاه در متون ثبت نشده و بعد از گذشت چند نسل تنها از طریق کاوش‌های باستان شناسی در اختیار ما قرار گرفته است (همان). منابع مکتوب مدارکی هستند که به صورت کتبی نوشته شده و منابع شفاهی اسنادی هستند که سینه به سینه منتقل شده یا در خاطرات مردم قرار دارند و از حافظه‌ها گرفته می‌شوند.

علامه مجلسی در روش خود به منابع باستان شناسی هم توجهی داشته‌اند؛ هرچند از منبع مکتوب بیان می‌کنند؛ از آن جمله می‌توان به الواح و صخره‌هایی که درباره حضرت مهدی نوشته شده است؛ اشاره داشت:

علامه از کتاب مقتضب الاثر ابن عیاش نقل می‌کند که خبر رسیده شهری از طلا یا سرب یا برنز را حضرت سلیمان بنا کرده و گویند سلیمان به جنی‌ها دستور داد که آن را بنا کنند و... بر روی دیوار آن شهر اشعاری نوشته شده است به این مضمون که سلیمان پس از بنا کردن شهر و... از دنیا می‌رود و از اولاد هاشم بهترین مولود به وجود آید و خداوند او را با نشانه‌های مخصوص در نزد مردم جهان ممتاز گرداند. آن‌ها پیشوایان دوازده‌گانه و حجت پروردگاران تا زمانی که قائم آن‌ها به فرمان خداوند قیام کند و این هنگامی است که او را از آسمان به نام صدا زند (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۲۱: ۱۲۷).

نمونه دیگر: علامه بیان می‌کند که در لوح اهرام مصر نوشته‌ای از آمدن امام زمان عجل الله فرجه

خبر می‌دهد که ریان بن دومغ^۱ جمله‌ای را بر اهرام مصر نوشته بود:

۱. او پدر عزیز مصر است که حضرت یوسف در خانه او و همسرش، زلیخا بوده است. عزیز

... من صاحب همه اهرام مصر هستم... در اهرام گنج‌های زیاد و عجایب بسیار هست، ... روزی فرا می‌رسد که ولی پروردگار من قفل‌ها از این اسرار بگشاید و عجایب کار و صنعت مرا آشکار سازد! او کسی است که در آخر الزمان و در اطراف خانه خدا ظاهر می‌شود. و کارش بالا می‌گیرد و نامش مشهور می‌گردد. گروه انبوهی از مردم هنگام ظهورش کشته خواهند شد و جمعی او را اطاعت می‌کنند.^۱

فهم شناسی غیبت و عمر امام زمان در پرتو تاریخ

علامه در باب سیزدهم سعی کرده است غیبت امام زمان را با توجه به غیبت انبیا قابل فهم گرداند. علامه در این باب به حدیث سدید صیرفی از کتاب کمال الدین شیخ صدوق اشاره کرده است..... که امام صادق علیه السلام فرمودند:

.... خداوند سه چیز را در مورد پیغمبران عملی ساخت، در خصوص قائم ما نیز عملی می‌سازد: ولادتش را مانند ولادت موسی و غیبتش را چون غیبت عیسی و طول عمرش را بسان طول عمر نوح مقدر فرموده، و سپس طول عمر بنده صالح خدا، خضر پیغمبر را دلیل طول عمر آن حضرت قرار داده است و بعد علل هر کدام از این معانی را شرح می‌دهد..... (همان: ۱۶۲ - ۱۶۵).

علامه مجلسی در باب چهاردهم بحار الانوار به اخبار معمرین تاریخ بشر و دفع استبعاد مخالفین غیبت طولانی آن حضرت پرداخته بیش تر موارد را از کتاب کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق عنوان کرده است. از جمله کسانی که عنوان شده اند ابو ذنیبای معمر، لقمان بزرگ عاد پانصد و شصت سال و به روایتی دیگر سه هزار و پانصد سال عمر کرد. هبل بن عبدالله کنانه هفتصد سال و...^۲ در ادامه روایتی را از اهل سنت بیان می‌کند که پیغمبر

....»

هفتصد سال و پدرش «ریان» هزار و هفتصد سال و پدر ریان «دومغ» سه هزار سال در جهان زیستند.

۱. علامه مجلسی این روایت را از کتاب اکمال الدین شیخ صدوق بیان می‌کند.
۲. معمرینی که ذکر شده است بسیار است برای مطالعه بیشتر به تاریخ الحجج بحار الانوار باین...

اکرم علیه السلام فرمود: آنچه در مردم پیشین بوده طابق النعل بالنعل در این امت نیز هست. این گونه عمرهای طولانی و غیبت‌هایی که برای پیغمبران در قرون گذشته واقع شده از نظر تاریخی ثابت و صحیح است. بنابراین، منکرین برای انکار وجود قائم آل محمد و غیبت و طول عمر آن حضرت با آن همه اخباری که از پیغمبر و ائمه درباره او رسیده چه راهی دارند (همان: ۱۸۹)؟

علامه بعد از این همه مثال تاریخی، در برابر ایراد کسانی که به طول عمر حضرت ایراد وارد می‌کنند، پاسخی عقلی هم از سید مرتضی عنوان می‌دارد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱: ۲۸۷). گفتاری هم از علامه کراچکی در این باب وجود دارد که تمام پیروان ادیان آسمانی در این عقیده متفقند که عمرهای زیاد و طول آن امر جایزی است؛ چنان که تورات هم متضمن این معنی است و از این حیث میان یهود در گفته تورات اختلافی نیست.^۱

نتیجه گیری

۱. کتاب بحار الانوار علامه مجلسی هم از نظر حدیثی و هم از نظر تاریخی منبعی با ارزش برای ماست. علامه با استفاده از منابع کهن، متعدد و متنوع روایی، رجالی، تفسیری، ادبی و تاریخی، حدود ۱۲۹۷ روایت را در ۳۱ باب دسته‌بندی و به نیکویی ساختار بندی کرده است.
۲. علامه اعتبار منابع حدیثی را یکسان نمی‌داند و در مقدمه کتاب خود بحثی به عنوان توثیق المصادر دارد. در تاریخ الحجه بیش‌ترین روایت ایشان از منابعی چون الغیبه طوسی و الغیبه نعمانی و اکمال الدین و اتمام النعمه و کافی است که از اعتبار زیادی برخوردار هستند.
۳. علامه تاریخ را با روش روایی و حدیث را با سند بیان می‌کند که از نظر تاریخی کمک

....

چهاردهم معمرین مراجعه نمایید.

۱. در تورات نوشته است: حضرت آدم ابو البشر نهصد و سی سال در جهان زیست؛ شیث نهصد و دوازده سال؛ انوش نهصد و پنج سال، ... ابراهیم صد و هفتاد و پنج سال؛ اسماعیل صد و سی و هفت سال؛ اسحاق صد و هشتاد؛ سال بحار الانوار، ج ۵۱: ۲۹۲؛ ج ۲۱: ۲۱۸.

کننده ما در نقد بیرونی است و مجالی برای نقد متن ایجاد می‌کند. علامه همین‌طور زمانی که یک واقعه را از منابع مختلف ذکر می‌کند، روایت‌های مختلف را که دیدگاه‌های متفاوتی دارند با هم مخلوط نمی‌کند و تحلیل و نظر خود را بعد از روایت بیان می‌کند که این نظریه‌های ایشان ذیل روایات خیلی اوقات، راهگشای مسائل تاریخی است.

۴. علامه مجلسی در بررسی روایات تاریخ الحجه برای رسیدن به فهم احادیث ابتدا صحت متن روایت را احراز می‌کند و بعد از دریافت فهم متن با قرینه‌های گوناگون مقامی و کلامی به دنبال مراد جدی گوینده می‌باشد. در واقع به فهم ظاهری متن بسنده نکرده است و به دنبال کشف مراد جدی گوینده است.

۵. کتاب علامه منبع غنی از حدیث و روایت است و اولویت نگاه روایی علامه بر نگاه تاریخی واضح است. علامه به تاریخ با دید ابزاری نگاه کرده و در واقع تاریخ در خدمت علامه است و برای اثبات باورهای خود تاریخ را اثبات کرده است.

منابع

قرآن کریم.

۱. آزادی، پرویز، (بهار و تابستان ۱۳۹۰). بررسی جایگاه اهمیت و اعتبارسنجی کتاب کمال الدین و تمام النعمه، مشهد، مطالعات قرآن و حدیث، سال چهارم، شماره دوم.
۲. ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۸۲). کمال الدین و تمام النعمه، قم، دارالحدیث.
۳. ابن ندیم، محمدبن اسحاق (۲۰۰۹م). الفهرست، ترجمه محققین، د. ایمن فواد ولید، مؤسسه الفرقان للتراث الاسلامی.
۴. پاکتچی، احمد (۱۳۹۱ش). تقدمتن، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۵. حلی، ابن داود (۱۳۸۳ ق). رجال ابن داود، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۶. دلبری، علی (۱۳۸۶). مبانی رفع تعارض اخبار، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۷. رحمان ستایش، محمدکاظم (۱۳۸۵). آشنایی با کتب رجالی شیعه، تهران، انتشارات سمت.
۸. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). کتاب التفسیر، تهران، چاپخانه علمیه.
۹. شارل، شاماران (۱۳۷۵). روش‌های پژوهش در تاریخ، ترجمه: ابوالقاسم بیگناه و دیگران، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۰. شبیری، سیدمحمد جواد (۱۳۷۵). «تصحیف و تحریف» دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
۱۱. صفری فروشانی، نعمت الله (تابستان، ۱۳۸۶). «شیخ مفید و تاریخ نگاری او در کتاب الارشاد»، فصلنامه شیعه شناسی، سال پنجم، شماره ۱۸.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). الفهرست، حجج، عبدالعزیز حلب حبائنی، قم، مکتبه المحقق الطباطبائی.
۱۳. عابدی، احمد (۱۳۷۸). آشنایی با بحارالانوار، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب (بی تا). القاموس المحيط، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۵. مامقانی، عبدالله (۱۴۱۳ق). مقیاس الهدایة فی علم الدراییة، قم، بی نا.
۱۶. مجلسی، محمدباقر الف (۱۴۲۱ق). بحارالانوارالجامعة لدرراخبار الائمة الاطهار، تحقیق: شیخ محموددریاب، بیروت، دارالتعارف.
۱۷. _____ ب (۱۴۰۳ق). بحارالانوارالجامعة لدرراخبار الائمة الاطهار، بیروت-لبنان، مؤسسه الوفاء الاسلامی.
۱۸. _____ (۱۳۷۵). بحارالانوار(مهدی موعود)، ترجمه: علی دوانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۱۹. مسعودی، عبدالهادی (بهار و تابستان ۱۳۹۲). «اعتبارسنجی منابع تفسیر روایی شیعه»، مجله تفسیر اهل بیت.
۲۰. _____ (۱۳۸۴). روش فهم حدیث، تهران، انتشارات سمت.
۲۱. _____ (۱۳۸۹). درسنامه فهم حدیث، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
۲۲. مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۴ق). تصحیح اعتقادات الامامیه، بیروت، دارالمفید.
۲۳. نادری، مرتضی (زمستان ۱۳۹۱). «اعتبار و تداول کتاب الغیبه نعمانی»، فصلنامه تخصصی مطالعات قران و حدیث سفینه، سال دهم، شماره ۳۷.
۲۴. نجاشی (۱۴۰۸ق). رجال النجاشی، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم، انتشارات اسلامی.
۲۵. نورالدین، حیدر (بهار ۱۳۸۸). «نقش عقل در معرفت از دیدگاه علامه مجلسی»، شماره ۳۹، پژوهش‌های فلسفی-کلامی.
۲۶. نصیری، علی (زمستان ۱۳۸۰). «علامه مجلسی و تعامل با روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام»، شماره ۲۲، مجله علوم حدیث.

❖ معرفة الأسلوب والطريقة في معرفة

تاريخ الحجّة لبحار الأنوار ❖

مريم النساج^١

على راد^٢

يتطرق العلامة المجلسي في (تاريخ الحجّة) والذي هو جزء من كتاب بحار الأنوار الى إنتخاب الروايات المهدوية والعمل على إفرازها وتناول هذه المقالة والدراسة في الاصل الى معرفة الاسلوب الروائي ومعرفة نوع المصادر التي إعتمدها العلامة المجلسي عليه السلام في ذلك الجزء والقسم. وتظهر نتائج الدراسة والتقييم الحاصل من «تاريخ الحجّة» بأن العلامة استفاد في اسلوبه من عملية فهم النص وفهم المقصود وتطرق ومن خلال نظرتة الثاقبة وبعيدة المدى بتحليل وإنعكاس الروايات المهدوية.

وكان ينبغي ومن بعد إحرازه صحة النص عن طريق التركيز على الإختلاف الحاصل في النسخ والتصحيح والتقطيع الى فهم النص بواسطة دراسة غرائب الأحاديث والنظر الى بلاغة الحديث وسنخيته وكان يروم الى معرفة المراد الجدى والمقصود الأصلي من حديث المعصوم عليه السلام وذلك بإلعتتماد على جمع القرائن من قبيل الآيات القرآنية والتصديق العقلي والحقائق التاريخية ولاشك فإن التنوع والإعتبار والأصالة هي ثلاثة صفات وخصوصيات حوتها وتضمنتها المصادر التي اتبعها العلامة المجلسي في (تاريخ الحجّة).

المصطلحات المحورية: التاريخ الروائي للمهدوية، مصادر المهدوية، الروايات المهدوية، الإعتبار التقييمي للمهدوية، العلامة المجلسي.

١٦٦
اسطر موعود

سال
شهر رجب
شماره ٤٦ / بايز ١٣٩٣

١. طالبة في مرحلة الدكتوراه في كلية القرآن والحديث في جامعة طهران.

٢. استاذ مساعد في جامعة طهران.